

بررسی رابطه آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)

منصور آرایش^۱، محمدتقی شیخی^۲

چکیده

یکی از مهمترین و پیچیده ترین تحولات اجتماعی در نیم قرن اخیر، توسعه شهرنشینی و یکی از ضروری ترین عوامل همراه با توسعه شهرنشینی توجه به بحث توسعه پایدار شهری است. که این شکل از توسعه در عین برآورده کردن نیازهای فعلی، توان مداوم جوامع شهری نسل های آینده را نیز در ابعاد مختلف زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تضمین می کند. از مولفه هایی که به توسعه پایدار شهری در تضمین این توانایی کمک می کند آموزش شهروندی است. بنابر این هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری (اردبیل) است. چارچوب نظری و مدل نظری با استفاده از نظریه ی نظریه پردازانی از حوزه شهروندی همچون برایان. اس. ترنر، روسو، ماکیاولی، اسلر و استارکی و... ارائه شد. روش پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ چگونگی جمع آوری اطلاعات، در زمره پژوهش های توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری، شهروندان شهر اردبیل و حجم نمونه براساس روش کوکران ۳۸۴ نفر است. روش نمونه گیری، خوشه ای چندمرحله ای و روش تحلیل شامل آزمون همبستگی پیرسون و مدل یابی

۱- گروه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

mansour2p.13422@yahoo.com

mtshykhi@yahoo.com

۲- استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه الزهراء (نویسنده مسؤول)

معادلات ساختاری است. نتایج نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی روابط بین متغیرهای از برآزش قابل قبولی برخوردار بود همچنین بین آموزش شهروندی و شاخص های توسعه پایدار شهری رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد. سطح معنی داری (p) شاخص های فرهنگی و اجتماعی ۰/۰۱، اقتصادی و زیست محیطی ۰/۰۵ بود. جهت تاثیر بیشتر آموزش شهروندی بر توسعه پایدار شهری لازم است ابتدا بستر آموزش (جامعیت و پویایی قانون، رفاه و تامین اجتماعی) در جامعه فراهم شده سپس شرایط مداخله گر (بی اعتمادی نهادی، عدم توسعه فرهنگی و ناکارآمدی آموزش رسمی) مرتفع گردد.

کلید واژه‌ها

آموزش شهروندی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه زیست محیطی، توسعه پایدار شهری، شهرداری

مقدمه و بیان مساله

آموزش شهروندی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی در عصر حاضر است و یکی از پایه های توسعه پایدار شهری محسوب می‌شود. مهم ترین دغدغه ای که توجه صاحب نظران و برنامه ریزان شهری را به سوی مفهوم توسعه پایدار شهری^۱ جلب نموده، واقعیت رشد شتابان شهرنشینی در جهان امروز و تداوم آن در آینده از یک سو و رشد حیرت آور کلان شهرها و پیامد های زیان بار آن برای ساکنین این مناطق می باشد (رهنمایی و پورموسوی، ۱۳۸۵: ۱۷۷ و ۱۸۸) این شهرنشینی فزاینده و بروز مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و ناکارآمد روش های مدیریت و کنترل توسعه شهری برای رفع مشکلات و تنگناهای مذکور همه از عواملی است که سبب پیدایش شهرهای نابسامان و ناپایدار شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶). بر همین اساس مقاله ی حاضر درصدد بررسی رابطه آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری است چارچوب نظری این مقاله، تلفیقی از نظریه ی نظریه پردازانی از حوزه شهروندی همچون برایان. اس. ترنر، روسو، ماکیاولی، اسلر و استارکی و... است مدل در

نظر گرفته شده شامل متغیرهای وابسته؛ شاخص های توسعه فرهنگی، شاخص های توسعه اجتماعی، شاخص های توسعه اقتصادی و شاخص های توسعه زیست محیطی است که با متغیر مستقل آموزش شهروندی ارتباط داده شده اند. امروزه توسعه پایدار شهری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی با مسایل و مشکلات متعددی روبرو است که آموزش، آگاهی، مشارکت و درگیر شدن و حضور فعال مردم در حل مسایل و ارتقای کیفیات محیطی را می طلبد از جمله این مشکلات می توان به؛ کیفیت پایین محیط زیست شهری و افزایش آلودگی صوتی، آلودگی بصری، رشد آسیب های اجتماعی، نابسامانی مدیریت فاضلاب و پسماندهای شهری، ناهنجاری های رفتاری، انزوای افراد و عدم تمایل به ارتباط های مدیریتی شهروندان، مشکلات مربوط به سلامتی افراد، عدم احساس مسئولیت در حفاظت از محیط زیست به ویژه فضای سبز، ضعف حس همکاری بین مردم، مسائل ترافیکی و ایجاد مزاحمت برای دیگران، کم توجهی به حقوق دیگران، سد معبر، عدم صرفه جویی در مصرف انرژی، کمبود حس تعلق به خاطر مکان و محل زندگی، مسائل سکونتی و ناهنجاری های رفتاری در شهرها اشاره کرد که ضرورت ایجاد و گسترش پایگاه های آموزش شهروندی در سطح شهرها را تشدید کرده است. واقعیتی است که در اکثر این مسائل، مردم یکی از مهمترین عوامل در ایجاد مساله و یا مساله گشایی می باشند رعایت حقوق و اصول شهرگرایی نیازمند توجه برنامه ریزان و طراحان و تصمیم گیران به حقوق شهروندی، آموزش و آگاهی بخشی به مردم از طریق آموزش های شهروندی می باشد. جمعیت شهری اردبیل (مرکز استان اردبیل در شمال غرب ایران) به تبع شهرنشینی شتابان، ادغام بافت های تاریخی^۱ و قدیمی در بافت های میانی، ظهور نوگرایی در روند ساخت و سازهای شهری، ازدیاد جمعیت و در عین حال فقدان برنامه ریزی مطلوب شهری، با مسائل و مشکلاتی که مانع از توسعه ی آن هستند مواجه است. برخی دیگر از مسائل و مشکلات شهر ساختاری و برخی دیگر درون زا و مختص به شرایط محلی هستند. از جمله مشکلات شهر می توان

به عدم رعایت قوانین و قواعد شهرنشینی، نبود سرویس‌های بهداشتی، فقدان مبلمان شهری، کمبود و کیفیت پایین خدمات بهداشتی و درمانی، بیکاری، بوروکراسی شدید اداری، ازدیاد تنش‌ها و برخورد های گروهی و فردی، تخریب محیط و عدم رعایت بهداشت اشاره کرد (محمدی: ۱۳۹۳). این شهر در زمینه رعایت قوانین و مقررات دچار کاستی است آن طوری که امروزه کارشناسان اعتقاد دارند در صورتی که سطح حساسیت شهروندان به مولفه های زندگی شهری ارتقا نیابد، نمی‌تواند رشد معقول و متوازن شهری همراه با افزایش کیفیت زندگی شهری را داشته باشد. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳). در کل اهمیت این موضوع در آن است که آموزش شهروندی کلید توسعه شهری است حل مسائل شهروندان یک جامعه و ایجاد تغییر در آنها، تنها از طریق مشارکت فعال اعضای جامعه عملی است و این مشارکت زمانی نتیجه مناسب را در پی خواهد داشت که در مسیر درست حرکت کند و این نیز در گرو انسان‌هایی با آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خود شکل خواهد گرفت. نبود فلسفه مناسب در شهر، با هدف بسترسازی مطلوب مشارکت‌جویانه، ضرورت نیاز به آموزش‌های شهروندی را ایجاب می‌کند. مشارکت پدیده‌ای ذهنی است که بدون فلسفه مطلوب و آموزش نمی‌تواند به صورت جزئی از فرهنگ شهروندان پدیدار شود. نهادینه شدن مشارکت در سطح شهر مستلزم ارائه آموزش‌های لازم است. تشویق شهروندان برای مشارکت در امور شهری از راه‌های بهبود زندگی شهروندان به شمار می‌آید. در واقع مقصد اصلی آموزش‌های شهروندی، ایجاد مشارکت است و مهم‌ترین ابزار برای مدیریت شهری موفق، بهره‌گیری از مشارکت مردم است. وجود حکومتی پاسخگو در صورت وجود شهروندی آگاه نسبت به حقوق خود معنی پیدا می‌کند و در پی آن حرکت به سوی قانون و قانون‌گرایی و تخلف از آن با واکنش شهروندان خواهد بود. در جامعه‌ای با افراد آگاه از حقوق و مسئولیت‌های خود، تبعیض براساس جنس، نژاد، منشاء، زبان و عقیده به حداقل خود خواهد رسید. بر این اساس این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که آیا بین آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری (در شهر اردبیل) رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

پست مدرنیسم و نظریه شهروندی

لیوتار^۱ در گزارشی در باره وضعیت در حال تغییر معرفت در توسعه یافته ترین جوامع، واژه پست مدرن را بیانگر وضعیت فرهنگ جهان پس از دگرگونی هایی می داند که از پایان سده نوزدهم تا به حال، بازی را در علم، ادبیات و هنر و... عوض کرده اند (لش^۲، ۱۳۸۴: ۲۲۱). مهمترین ویژگی پست مدرنیسم لیوتاری، مرگ کلان روایت است. در واقع، پست مدرنیست ها و به ویژه لیوتار، به روایت هایی که نسخه های کل گرایانه را برای ساختارهای کلی اجتماع تضمین می کنند، با دیده شک می نگرند. مهم ترین ویژگی های پست مدرنیسم را می توان اینگونه خلاصه کرد:

الف: نقد جدایی سوژه^۳ و ابژه^۴؛ ب: ساختار ریاضی گونه هستی؛ ج: نقد وجود یک عقل برای همه تاریخ و همه انسانها (کلان روایت ها) (همان).

در انتقاد به دنیای مدرن، پست مدرن ها مباحث و مجادلاتی را در باره ارتباط شهروندی با ملیت و جهانی شدن، هویت های مختلف فرهنگی، جنسیت و وضعیت اقلیت ها کرده اند. چنان که به اعتقاد آنان، ماهیت شهروندی در دوران مدرن دچار تناقض شده است و محدودیت هایی در زمینه دولت - ملت، همه شمولی و مساوات طلبی در رویکردهای لیبرال مشاهده می شود که برای دستیابی به شهروندی واقعی باید از میان برداشته شود. فالكس، از جمله پست مدرن هایی است که در شهروندی پسا مدرن خود، به دفاع از لیبرالیسم می پردازند. به عقیده وی حقوق فردی ما تنها هنگامی معنی دار هستند که به وسیله احساس تعهد دیگران حمایت شود؛ دیگریانی که هم حقوق ما را به رسمیت می شناسند و هم به ما در ایجاد و پایدار ساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می سازند، یاری می رسانند (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۰۷)

1. Lyotard
2. Lesh
3. subject
4. Object4

در مورد نظریات شهروندی در جهان نو ظهور، پست مدرن ها و فمینیست ها در یک راستا حرکت کردند و محور تحلیل آنها مسئله طرد اجتماعی زنان از دایره شهروندی (نظریه شهروندی فمینیستی) و محرومیت اجتماعی برخی از گروه‌های اجتماعی از امتیازات شهروندی (نظریه شهروندی پست مدرن) است. به عنوان نمونه، می‌توان به شهروندی زنان، شهروندی جنسیتی، شهروندی منفعل و شهروندی بالقوه و بالفعل که پتیمان ولیستر مورد توجه قرار داده اند و شهروندی تفکیک شده که ماریون یانگ بحث کرده است و همچنین شهروندی درجه دوم و شهروندی حاشیه ای که مورد توجه هیسلر و بروباکر قرار گرفته است، اشاره نمود. این مقوله ها ناظر به طرد اجتماعی، محرومیت اجتماعی و حاشیه‌نشینی اجتماعی زنان و برخی گروه‌های اجتماعی و اقلیت های فرهنگی (قومی، نژادی و مذهبی) از حوزه شهروندی است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۸)

یانگ^۱، از دیگر متفکران پست مدرن با گسست از سنت لیبرال معتقد است که ادعای لیبرال ها درباره حقوق شهروندی، به سرکوب اقلیت ها و نفی تفاوت ها منجر می شود. وی با تاکید بر حقوق گروهی، شهروندی را نوعی قرارداد اجتماعی می داند که هدف اصلی آن ارتقای امنیت و رفاه در جامعه است و ضرورتا به این امر می پردازد که افراد جامعه چگونه باید در جامعه رفتار کنند تا به هدف برسند. بنا بر نظر وی، به رسمیت شناختن تفاوت های فرهنگی از طریق اعطای حقوق شهروندی چند متمایز، یکپارچگی را کامل می کنند (نش^۲، ۲۰۲۲: ۱۳۸۰). پس هر دو متفکر معتقدند که شهروندی باید در گروه های اجتماعی ریشه داشته باشد و نمی تواند یک موقعیت کاملا فردی باشد.

پتیمان و لیستر، از متفکران پست مدرنی هستند که آثارشان آمیخته با رگه هایی از فمینیسم می باشد. پتیمان معتقد است که مدرنیته، شهروندی مذکر و مردانه در گفتمان مزبور شکل گرفته است. حال آن که در شهروندی پسامدرن، شهروندی مونث^۳ نیز مورد تاکید است. لیستر نیز معتقد است که در اندیشه مدرن، بر اثر تبعیض های جنسیتی، با

1. young

2. Nash

3. Female citizenry

نوعی تقسیم شهروندی به فعال (مردان)^۱ و منفعل (زنان) مواجه هستیم. در حالی که در اندیشه پست مدرن، این مرزها از بین می روند (منوچهری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۵: ۷)

یورگن هابرماس، جامعه شناس انتقادی، شهروندی را بر پایه اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی تعریف و تبیین کرده است. بنا بر نظر هابرماس امکان گفتگوی آزاد و خردمندانه به دور از سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به وجود آید. از نظر هابرماس برای مدت های طولانی شهروندی به حق انتخاب بوده، لیکن امروزه دارای معنای خاصی در حقوق مدنی می باشد. دو تفسیر تا حدی متناقض از شهروندی فعال که مورد توجه هابرماس است وجود دارد، برداشت فرد گرایانه ویا ابزار گرایانه از نقش شهروند در سنت لیبرال که در نظام بازار شهروند به نقش مشتری تقلیل داده و برداشت اخلاقی و جمع گرایانه که نقش شهروند را در ارتباط با تعیین سرنوشت خود مطرح می کند. در یک برداشت، جامعه شهروندی مستلزم آن است که همه اعضای جامعه در نهادهای حکومتی مشارکت نموده و نسبت به آن وفادار باشند. در جامعه اگر افراد مسئولیت و عمل به حقوق خود را به عنوان شهروند بپذیرند، بایستی قادر به بیان نظرات و عقاید خود در حوزه عمومی باشند (شیانی، ۱۳۸۴)

فالكس^۲ (۱۳۸۱) شهروندی را موقعیت عضویت می داند که شامل مجموعه ای از حقوق و وظایف و تعهدات است و بر برابری و عدالت و استقلال دلالت دارد. به باور وی جهان امروز به گونه ای فزاینده پسامدرن می شود. اجزای شهروندی در دوران پسامدرن شامل حقوق و مسئولیت ها و مشارکت سیاسی است و برای اداره امور انسان ضرورت دارد. وی در شهروندی پسامدرن خود اذعان می کند جذابیت شهروندی این است که ما را مجبور نمی کند یک هویت را به مثابه هویت ذاتیمان انتخاب کنیم؛ بلکه ما را به روابط بدون محدودیت با دیگران تشویق می کند. شهروندی مبتنی بر گروه بیشترین احتمال افزایش سوءظن متقابل را به وجود می آورد و حقوق افراد منحرف را در درون گروهها به مخاطره می اندازد. آنچه شهروندی پسامدرن طلب می کند این است

4. Active citizenry

1. Faulks

که مرزهای میان جوامع سیاسی، چه به لحاظ مادی و چه فرهنگی تا ابد بسته نماند و بسیاری از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی فراتر از مرزهای دولتی گسترش یابد (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۱۲). بنابراین، حقوق فردی فقط هنگامی معنادار است که با احساس تعهد به دیگران حمایت شود؛ دیگرانی که هم حقوق ما را به رسمیت می‌شناسند و هم به ما در ایجاد کردن و پایدارساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می‌سازند، یاری می‌رسانند (همان، ۱۳۸۱: ۲۰۷) پس شهروندی با آگاهی از حقوق خود و دیگران و با تعهد به رعایت آنها تحقق می‌یابد. در این میان حقوق نباید منوط به افرادی باشد که داخل مرزها هستند. افراد باید صرفنظر از جنسیت و قومیت و فرهنگ از حقوقی برخوردار باشند که مقدمه آن آگاهی از حقوقشان است

الگوی فرد گرایانه - لیبرال: طبق این الگو، تاکید بر آن است که هیچگونه فشار و مانع سیاسی فکر و عقیده و بیان و قلم ارتباطات و مالکیت بر شهروند تحمیل نشود. فرد حق داشته باشد که هر طور می‌خواهد بیندیشد و هر مذهبی که می‌خواهد اختیار کند، بگوید، بنویسد و در اداره شهر و تنظیم آن، مداخله و مشارکت داشته باشد. این الگو از قدیمی‌ترین الگوهای شهروندی است. در سطح نظری ریشه در دیدگاه‌های جان لاک دارد و در دوره معاصر نیز با آرای هایک^۱ همخوانی دارد. این الگو معتقد است که دولت‌سالاری به بهانه تامین طبقات محروم، شهروندان را وابسته و در نتیجه، بنده دولت و ستایشگر قدرت می‌سازد انگیزه کار و خلاقیت و ابتکار را از آنها می‌گیرد و حقوق مدنی و سیاسی را آسیب پذیر و محدود می‌سازد (نزبیچ، ۱۹۸۷)

الگوی جمهورگرایانه و نولیبرالی (مدنی):^۲ این الگو ریشه در نظریات روسو دارد و در قرن ۲۱ و تحت حمایت اعلامیه جهانی حقوق بشر، توسط مارشال^۳ نظریه پردازی شده است. مطابق این الگو، تمام شهروندان در یک سرزمین و تحت یک دولت - ملت^۴

-
1. Hayek
 2. Civil- Republicanism
 3. T.H.Marshall
 4. nation – state

صرف نظر از هر طبقه اجتماعی - اقتصادی، از حقوق عام و برابر برخوردار هستند. (مارشال، ۱۳۸۴). مارشال آموزش های شهروندی را جزء مولفه های کلیدی نظام اقتصادی سرمایه داری یعنی طبقه اجتماعی و نظام سیاسی دموکراسی یعنی مشارکت همگانی و برابری حقوقی در جامعه مدرن دانسته است. به نظر او آموزش اصول شهروندی همراه با سه بعد اجتماعی است: «حقوق مدنی و شهروندی مدنی» مانند حق برخورداری از آزادی بیان، مالکیت، مذهب، عقیده، «شهروندی سیاسی و حقوق سیاسی» مانند حق برخورداری از رای، عضویت و مشارکت سیاسی و... «حقوق اجتماعی رفاهی و شهروند اجتماعی و رفاه» مانند حق برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش امنیت، تامین اجتماعی و مانند آنها (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

دیدگاه سد لر^۱؛ نظام تعلیم و تربیت شهروندی در هر کشوری متاثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است که هر یک از آنها به نوبه خود در شکل دادن به آموزش های شهروندی نقش حیاتی ایفا می کنند. وی به این نکته اشاره می کند که نمی توان آموزش شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و دور از حوزه نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت و مجموعه منسجمی از عقاید و آراء تربیتی قالب در آن جامعه را به محک بررسی زد. به سخن دیگر، این آموزشگر فرانسوی اعتقاد دارد که اهداف، روش و محتوای آموزش های شهروندی در هر جامعه از جمله سیاست، اقتصاد، مذهب و به خصوص با بنیاد های فکری و اندیشه های تربیتی متعلق به آن جامعه رابطه ای تنگاتنگ دارد که او آن را یک رابطه دیالکتیکی (یعنی هم تاثیر می پذیرد و هم تاثیر می گذارد) می نامد.. (سدلر، بی تا، نقل از آقازاده، ۱۳۸۵)

کواپگلی^۲ تربیت شهروندی را توسعه دانش، مهارت ها و نگرش هایی در فراگیران می داند. دانش شهروندی شامل مهارت های عقلانی مورد نیاز به منظور فهمیدن و توضیح دادن؛ مقایسه، ارزیابی کردن، اصول و عملکرد دولت و و شهروندی و

1. Michel Sadler

2. Quigly

مهارت‌های شهروندی شامل مهارت‌های مشارکتی است که شهروند را قادر می‌سازد تا خط مشی دولت را تحت نظارت و تاثیر قرار دهند و نگرش شهروندی، عبارت از ویژگی‌های شخصیتی، خلق و خوها و تعهدات مورد نیاز مانند احترام با ارزش افراد، صداقت، تحمل و شکیبایی، همدردی، وطن پرستی، تعهد به حقوق بشر، نفع عمومی برای حفظ گسترش حکومت دموکراتیک و شهروندی است (کوايگلي، ۲۰۰۰، ص ۶)

پیشینه تحقیقات:

داخلی

پورموسی و مدیری (۱۳۹۵) در تحقیقی پیرامون "آموزش شهروندی و نقش آن در تحقق توسعه پایدار شهرهای جدید (نمونه موردی شهر جدید اندیشه)" نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که توسعه بایستی دقیقاً در مرکز تمامی برنامه‌های آموزش شهروندی قرار گیرد و به دلیل آنکه زیر بنای توسعه شهری و به تبع آن توسعه ملی، توسعه در هر یک از بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی می‌باشد لذا برای رسیدن به توسعه در هر یک از بخش‌ها نیاز به آموزش ضروری به نظر می‌رسد و از آنجایی که انسان محور توسعه محسوب می‌شود، نیاز به آموزش برای انسان بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد که این آموزش می‌تواند در ابعاد مختلفی صورت گیرد.

تیمورنژاد و همکارانش (۱۳۹۵) به بررسی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی با تأکید بر توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرداری زنجان) پرداختند یافته‌ها حکایت از آن داشتند که همه عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی (رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی / سیاسی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط زیست و توسعه پایدار) در سطح ۰/۰۵ معنادار هستند

شاطریان و آقابزرگی (۱۳۹۴) با موضوعی تحت عنوان "نقش آموزش شهروندی در تحقق توسعه پایدار شهری" نشان دادند که آموزش، اساس توسعه است و آموزش شهروندی مهارت‌هایی را برای ایجاد قوانین و تغییر آنها در فرد ایجاد می‌کند و

آگاهی‌های عمومی شهروندان را افزایش داده و موجب مشارکت آنها در امور جامعه می‌شود و به کاهش فقر و نابرابری نیز کمک می‌کند. بدین ترتیب آموزش شهروندی در مقاطع مختلف سبب توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی جامعه می‌شود.

یوسفی (۱۳۹۳) در پژوهش "نقش آموزش و پرورش در فرایند توسعه پایدار" نتیجه گرفته است که رشد و توسعه در کشورهای گوناگون در گرو توسعه پایدار آن کشورهاست، بنابراین دستیابی به توسعه پایدار نیازمند برنامه ریزی در هر یک از سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی است. انسان به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار در مرکز توجه است و نیاز به آموزش دارد. با توجه به این که آموزش نیز از مؤلفه‌های توسعه پایدار به شمار می‌رود، پس آموزش به طور عام و آموزش و پرورش به طور خاص می‌تواند نقش مؤثری در توسعه پایدار داشته باشد. در واقع آموزش و پرورش به عنوان زیربنایی‌ترین نهاد در جامعه شرط اصلی و تردیدناپذیر توسعه همه جانبه کشور است. آموزش و توسعه رابطه دوسویه‌ای با هم دارند، از یک سو آموزش بسترساز توسعه است؛ از سویی دیگر، توسعه لازمه تحول اساسی در نظام آموزشی است. لذا، ضرورت دارد هر جامعه‌ای که به توسعه پایدار می‌اندیشد، آموزش مطلوب را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد.

خارجی

کتینگ^۱ و جانمات^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "آموزش و پرورش از طریق شهروندی در مدرسه" بیان داشتند که آموزش از طریق شهروندی شامل فرصت‌های یادگیری رسمی و غیر رسمی است که دانش آموزان را قادر به کسب مهارت‌های مدنی و دانش از طریق تجربه می‌نماید. همچنین دریافتند که فعالیت‌های مدرسه می‌تواند تأثیری پایدار و مستقل در تعامل سیاسی جوانان از طریق آموزش شهروندی داشته باشد.

عبدی^۱ و شولتز^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی راه‌هایی پرداختند که جوانان را برای انجام نقش خود به عنوان شهروند در طیف وسیعی از کشورها در دهه دوم قرن آماده می‌کند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بودند که در راستای آموزش‌های شهروندی، کارفرمایان به دنبال استخدام افرادی با دانش کافی در مورد تغییرات مهم در جامعه، سواد فرهنگی، قضاوت اخلاقی، ارزش‌های انسانی، مسئولیت اجتماعی و مشارکت مدنی می‌باشند که برنامه‌های آموزش شهروندی می‌تواند به افراد در تقویت این مهارت‌ها کمک نماید.

دوسی^۳، استنباچ^۴، مستی^۵ (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان «آموزش شهروندی در جوامع چند فرهنگی: روش‌های معلمان» انجام داده‌اند. آنها یادآور می‌شوند که ادبیات بین‌المللی نشان‌دهنده‌ی کاهش مشارکت در جوامع غربی است که در آن چارچوب‌های قانونی با تغییرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مانند مهاجرت، نئولیبرالیسم و جهانی شدن به چالش کشیده شده است. این تغییرات نیز فرآیندهای ساخت و ساز هویت نسل‌های جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد چرا که مشارکت، شهروندی و تعلق در شکل‌گیری هویت ریشه دارد و از طریق خانواده و مدرسه ایجاد می‌شود. در جوامع دموکراتیک معاصر مدارس باید مدل جدیدی از شهروندی با امکانات عضویت چندگانه ارائه دهند. درحالی که هر فرد تا حدودی محصول میراث و زمینه‌های اجتماعی خود است. در دموکراسی مدرن معاصر هر کس می‌تواند هویت خود را با یکپارچه‌سازی وابستگی‌های مختلف فرهنگی غنی سازد. (به نقل از شاطریان و آقابرگی زاده، ۱۳۹۴).

پژوهش لی ونگ آن^۶ (۱۹۹۹) «ویژگی‌های شهروندی برای قرن جدید» در آسیا آگاهی از مسائل، حوادث و مشکلات جاری جامعه، مشارکت فعال در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی، مسئولیت‌پذیر در قبال وظائف و نقش‌های تفویض شده،

-
1. Abdi
 2. shultz
 3. Paola Dusi
 4. Marilyn Steinbach
 5. Messeti Giuseppina
 6. Lee

دل مشغولی برای رفاه و آسایش دیگران، رفتار و عملکرد مبتنی بر اصول اخلاقی، پذیرش نسبت به قدرت افرادی که دارای موقعیت مدیریتی و نظارت هستند، دارا بودن توانایی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده ها، دارا بودن توانایی اتخاذ تصمیمات آگاهانه، آگاهی و دانش کافی درباره حکومت و دولت کشور خود، داشتن حس وطن پرستی، پذیرش و مسئولیت نسبت به مسئولیت های خانوادگی، آگاهی از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن و در نهایت، احترام به وجود تکثر و تنوع در جامعه و احترام به قوانین و مقررات و گرایش به قانون گرایی را برای گرایش های شهروند موثر برشمرده اند.

جمع بندی تحقیقات پیشین:

در پژوهش های داخلی انجام شده از متغیر آموزش به عنوان یک عامل موثر در توسعه شهری نام برده شده است از سویی آموزش شهروندی نه تنها باعث قانون پذیری و قانون گرایی می شود بلکه نقشی مهم در نهادینه کردن رفتارها و کنش های اجتماعی و سیاسی شهروندان منطبق بر هنجارهای جامعه دارد

در تحقیقات خارجی به ابعاد مشارکت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، مهارت های مدنی و... توجه کرده اند و نشان دادند با چه مکانیسمی آموزش شهروندی بر توسعه تاثیرگذار است. خلاصه این که آموزش، آگاهی افراد را بالا می برد و موجبات مشارکت را فراهم می کند. مشارکت، شهروندی و تعلق در شکل گیری هویت ریشه دارد و از طریق خانواده و مدرسه و جامعه ایجاد می شود. و ارتباط موثری با پابندی به فرهنگ، قانون گرایی و توانایی فهم، پذیرش و بردباری در خصوص تفاوت های فرهنگی دارد اگر آموزش شهروندی توسعه محور باشد باعث توسعه در بخش های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی و... خواهد شد

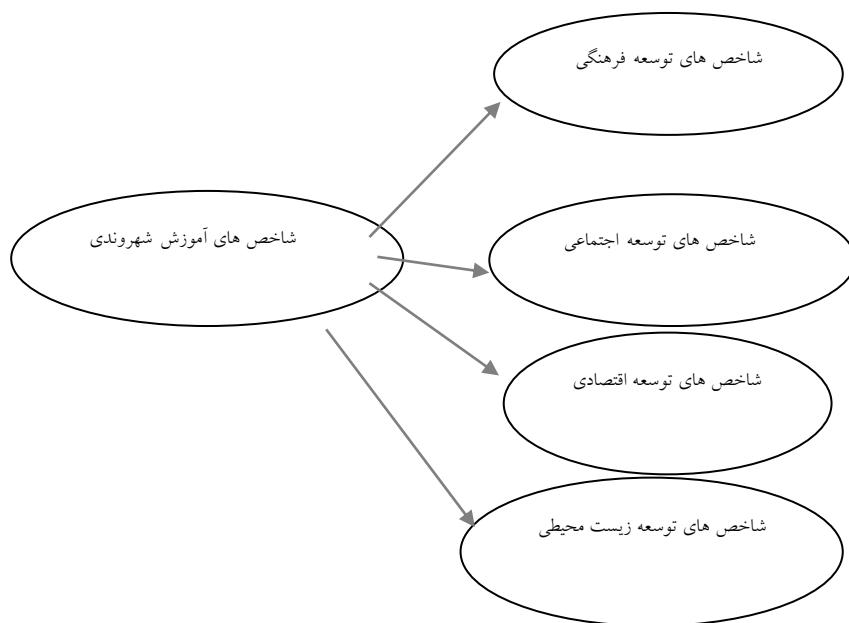
چارچوب نظری:

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای مدلی ترکیبی از الگوی جمهوری خواهی - مدنی و الگوی اسلر و استارکی است. بر اساس الگوی جمهوری خواهی - مدنی تمام شهروندان

در یک سرزمین و تحت یک دولت - ملت از حقوق عام و برابر برخوردار هستند آموزش شهروندی فرصت هایی برای یادگیرندگان فراهم می نماید تا ارزش ها و هویت شان را در زمینه اجتماعی که در آن زندگی می نمایند نشان دهند. در واقع بر اساس الگوی اسلر و استارکی در یک حداقل معین شهروندان می بایست نسبت به مسئولیت ها، حقوق و هویت های چند گانه خود، آگاهی و درک داشته باشند. کسب این آگاهی، هم مستلزم آموزش حقوق انسانی و هم فراهم نمودن محیطی مناسب برای یادگیری است که در آن فرصت جستجو، تقویت احساسات و انتخاب برای افراد فراهم باشد.

مدل مفهومی تحقیق:

در این مدل توسعه پایدار شهری (متغیر وابسته) بر اساس نظریه های نظریه پردازانی در حوزه شهروندی و توسعه به شاخص های توسعه فرهنگی، شاخص های توسعه اجتماعی، شاخص های توسعه اقتصادی و شاخص های توسعه زیست محیطی تفکیک شده است.



فرضیات:

با توجه به پیشینه نظری و تجربی تحقیق، رابطه بین آموزش شهروندی به عنوان متغیر مستقل و شاخص‌های توسعه فرهنگی، شاخص‌های توسعه اجتماعی، شاخص‌های توسعه اقتصادی و شاخص‌های زیست محیطی در قالب چهار فرضیه مورد آزمون قرار گرفتند.

مفاهیم، متغیرها و شاخص‌ها

- آموزش شهروندی عبارت است: از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسوولانه در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

- توسعه اجتماعی: از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه‌ی زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت می‌باشد (توسلی، ۱۳۷۳)

- توسعه اقتصادی، جنبه‌ای از توسعه اجتماعی و فرهنگی است و فرآیندی که در طی آن شالوده‌های اقتصادی جامعه دگرگون می‌شود به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحول در درجه‌ی اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود.

- مفهوم توسعه فرهنگی عبارت است از دگرگونی که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌پذیرد و بر اثر آن، جامعه کنترل مؤثرتری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند

- توسعه زیست محیطی: حفظ منابع پایه (و انواع مرتبط) در سطوحی که اختیارات آینده را سلب نکند و حفظ یا ارتقای ظرفیت، کیفیت و انعطاف اکوسیستم است. این بعد از پایداری از طریق کاهش مصرف منابع و انرژی، کاهش حجم ضایعات، آلودگی و بازیافت

آنها و یافتن فناوری های مناسب تقویت می شود (بالزک^۱ و باترز^۲، ۲۰۰۳: ۴۹۱) یا به عبارت دیگر، یک سیستم پایدار زیست محیطی باید قادر باشد منابع پایه را به صورت تثبیت شده حفظ نماید، از بهره برداری بیش از حد از منابع تجدید شونده یا فشار بر کارکردهای طبیعی پرهیز نموده و در ضمن منابع غیر قابل تجدید را تا آن حد مورد استفاده قرار دهد که با سرمایه گذاری موجود قابل جایگزینی باشند. (هریس، ۱۳۸۳)

- توسعه پایدار شهری به معنای بهبود و ارتقای کیفیت زندگی در شهر، شامل مولفه‌های زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با هدف ایجاد شهر پایدار، مطابق نیازهای شهروندان صورت می گیرد و از لحاظ عملکردی، آن را به مکانی مناسب برای زندگی نسل های حال و آینده تبدیل می کند. توسعه پایدار همچنین به دنبال جلوگیری از آلودگی، به حداکثر رساندن بازدهی، ترویج مشارکت و نیز توسعه منابع برای احیای اقتصاد محلی است (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

شاخص های آموزش شهروندی (متغیر مستقل):

- از مسائل، حوادث و مشکلات جاری جامعه آگاهی داشته باشد.
- در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی، مشارکت فعال داشته باشد.
- در قبال وظایف و نقش های تفویض شده، مسئولیت پذیر باشد.
- نگران رفاه و آسایش، دیگران باشد.
- رفتار و عملکرد وی مبتنی بر اصول اخلاقی باشد.
- نسبت به قدرت افرادی که دارای موقعیت مدیریت و نظارتی هستند، پذیرش داشته باشد.
- توانایی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده ها را دارا باشد.
- توانایی اتخاذ تصمیمات آگاهانه را دارا باشد.
- درباره حکومت و دولت کشور خود آگاهی و دانش کافی، داشته باشد.

- دارای حس وطن پرستی باشد.

- نسبت به مسئولیت های خانوادگی، پذیرش و مسئولیت داشته باشد.

- از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن، آگاهی داشته باشد.

- به وجود تکثر و تنوع در جامعه، احترام قائل باشد

شاخص های توسعه پایدار شهری (توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی، توسعه

اقتصادی و توسعه زیست محیطی) (متغیر وابسته):

۱- میزان تاثیر آموزش شهروندی در دستیابی به شاخص های توسعه اقتصادی:

- رعایت الگوی مصرف و صرفه جویی در مصرف انرژی و کالاهای اساسی

- تغییر نگرش، افزایش مهارت و بهره وری نیروی کار شاغل در جامعه

- توجه بیشتر شهروندان به نقش پس انداز و تامین آتیه خود و فرزندان

- استقبال مردم از پرداخت به موقع عوارض نوسازی، مشاغل و.....

- گرایش مردم به استفاده از محصولات داخلی

- کاهش خسارتها و هزینه های وارده بر مدیریت شهری

۲- میزان تاثیر آموزش شهروندی در دستیابی به شاخص های توسعه فرهنگی:

- افزایش فرهنگ شهرنشینی و آپارتمان نشینی در شهروندان

- تقویت هویت فرهنگی در شهروندان و مقابله با ناهنجاری های فرهنگی

- حفظ میراث فرهنگی و آشنایی شهروندان با مفاخر ملی و مذهبی و مکان های

تاریخی

- ارتقاء مبادلات فرهنگی و هنری شهروندان با یکدیگر

۳- میزان تاثیر آموزش شهروندی در دستیابی به شاخص های توسعه اجتماعی:

- تقویت و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان

- ارتقاء سطح اخلاق اجتماعی و کاهش آسیب های اجتماعی

- ایجاد نظم و انضباط اجتماعی در شهر

- شناخت بیشتر شهروندان از مسائل شهری و اهداف و وظایف شهرداری

افزایش مشارکت شهروندان در انتخابات شورایاری ها و شورای اسلامی شهر

۴- میزان تاثیر آموزش شهروندی در دستیابی به شاخص های توسعه زیست محیطی:

- آشنایی و توجه بیشتر شهروندان در آشنایی به روش های مبارزه با آلودگی های زیست محیطی

- آشنایی و توجه بیشتر شهروندان با روش های زیست محیطی پیرامون آلودگی هوا و راههای مبارزه با آن

- توجه بیشتر شهروندان به نظافت عمومی شهر و حفظ بهداشت محیط زندگی و محل سکونت خود

- آشنایی بیشتر شهروندان با روش های جمع آوری و تفکیک زباله و روش های بازیافت مواد

- توجه بیشتر به حفظ و نگهداری و استفاده بهینه از فضاهای سبز شهری و جنگل ها

روش تحقیق:

روش پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ چگونگی جمع آوری اطلاعات، در زمره پژوهش های توصیفی- پیمایشی است. بر اساس ادبیات و مبانی نظری پژوهش، شاخص های توسعه پایدار در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در قالب فرضیاتی مورد بررسی قرار گرفتند جامعه آماری، شامل کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اردبیل بوده و ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه پژوهش، انتخاب شدند و روش نمونه گیری، خوشه ای چند مرحله ای بوده است. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر طیف پنج ارزشی لیکرت بوده که روایی ابزار تحقیق، از روایی اعتبار صوری و تکنیک تحلیل عاملی و آزمون «کایزر - مایر- اولکین»^۱ و آزمون «کرویت بارتلت»^۲ استفاده شده است. پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹۷ به دست آمد. همچنین جهت تحلیل داده ها، از آزمون پیرسون و معادلات ساختاری استفاده شده است.

1. Kaiser-Meyer-Olkin
2. Bartlett's test of sphericity

جدول شماره: ۱

		آزمون کروییت بارتلت	آزمون KMO
سطح معنی داری	درجه آزادی	خی دو	
۰/۰۰۰	۸۶۱	۹۰۱۲/۱۹۴	۰/۸۳۹

یافته ها و تجزیه و تحلیل داده ها

یافته های توصیفی

بر اساس نتایج به دست آمده، دامنه ی سنی شرکت کنندگان بین ۱۸ تا ۶۷ سال بود که در گروه ۱۸ تا ۲۷ (۱۶۱ نفر، ۴۱/۹ درصد) ۲۸ تا ۳۷ سال (۱۱۷ نفر، ۳۰/۵ درصد) گروه ۳۸ تا ۴۷ سال (۶۴ نفر، ۱۶/۷ درصد) گروه ۴۸ تا ۵۷ سال (۲۸ نفر، ۷/۳ درصد) گروه ۵۸ تا ۶۷ سال (۴ نفر، ۱ درصد) قرار داشتند ۵۰ درصد (۱۹۲) نفر شرکت کنندگان در پژوهش مرد و به همین میزان بقیه شرکت کنندگان در پژوهش زن بودند. در رابطه با وضعیت تأهل نتایج نشان داد که ۲۰۸ نفر (۵۴/۲ درصد) مجرد و ۱۷۳ نفر (۴۵/۱ درصد) متأهل بودند. در خصوص وضعیت اشتغال تعداد ۲۱۶ نفر (۵۶/۳ درصد) شاغل، تعداد ۱۱۶ نفر (۳۰/۲ درصد) دانشجو، ۲۷ نفر (۷ درصد) بیکار، تعداد ۱۶ نفر (۴/۲ درصد) بازنشسته و ۹ نفر (۲/۳ درصد) خانه دار بودند. از نظر مدرک تحصیلی ۴۲ نفر (۱۰/۹ درصد) دیپلم، ۶۸ نفر (۱۷/۷ درصد) فوق دیپلم، ۱۰۲ نفر (۲۶/۶ درصد) لیسانس و ۱۷۲ نفر (۴۶/۸ درصد) فوق لیسانس و بالاتر بودند.

یافته های استنباطی

- ارزیابی همبستگی میان مؤلفه های توسعه پایدار شهری و آموزش شهروندی یکی از ابزارهای مناسب جهت تحلیل میان متغیرها، ضریب همبستگی پیرسون است، که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. همان طوری که در جدول (۲) قابل مشاهده است، میان آموزش شهروندی و شاخص های توسعه فرهنگی، شاخص های توسعه اجتماعی، شاخص های توسعه اقتصادی، شاخص های توسعه زیست محیطی و شاخص های توسعه پایدار شهری با نمره ضریب همبستگی، ۰/۲۳۰، ۰/۲۵۱، ۰/۱۴۶، ۰/۱۵۹، ۰/۲۳۵ در سطح شهر اردبیل همبستگی مثبت وجود دارد. به این معنا که با افزایش میزان آموزش شهروندی، مؤلفه های توسعه پایدار شهری افزایش می یابد.

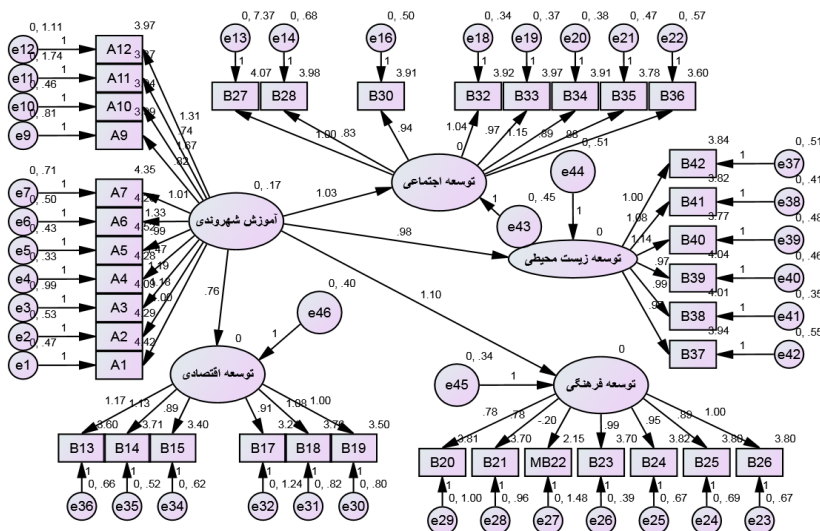
جدول شماره ۲: نتایج فرضیيات

		شاخصهای توسعه فرهنگی	شاخصهای توسعه اجتماعی	شاخصهای توسعه اقتصادی	شاخصهای توسعه زیست محیطی	شاخصهای توسعه پایدار شهری
آموزش شهروندی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۳۰	۰/۲۵۱	۰/۱۴۶	۰/۱۵۹	۰/۲۳۵
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۱	۳۸۰	۳۸۴	۳۸۴	۳۷۷

- مدل سازس معادلات ساختاری

مدل سازس معادلات ساختاری یک تکنیک تحلیل چندمتغیری بسیار نیرومند است که به پژوهشگران امکان می دهد مجموعه ای از معادلات رگرسیون را به گونه ای همزمان مورد آزمون قرار دهد. (هومن، ۱۳۹۰: ۱۱)

در این تحقیق مدل سازس معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار آموس مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در ادامه آمده است:

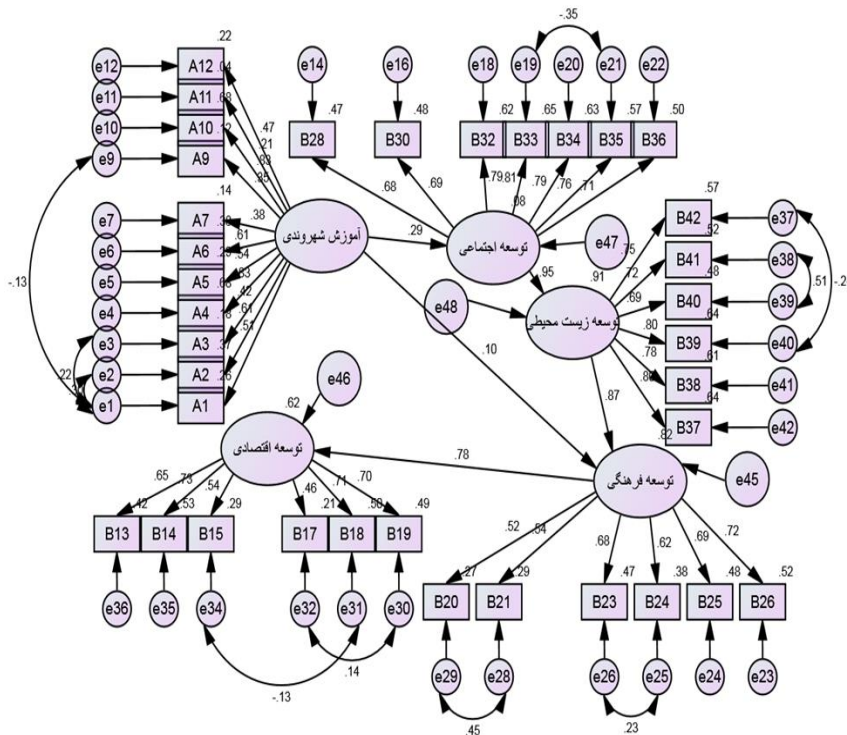


شکل شماره ۱: مدل مفهومی غیر استاندارد

نتایج مربوط به برآوردهای غیر استاندارد در جدول (۲) نشان داده شده است. همان گونه که مشاهده می شود تمام مقادیر دارای نسبت بحرانی بزرگ تر از $1/96$ می باشد و می توان نتیجه گرفت که مقادیر برآورد شده برای عامل های مرتبه اول و نیز متغیرهای مشاهده شده دارای تفاوت معنی دار با صفر هستند.

جدول شماره ۳: نسبت بحرانی و سطح معنی داری تاثیرات

P	C.R	مسیر تاثیر متغیرها
۰.۰۰۰	۷.۱۸۴	آموزش شهروندی ← توسعه فرهنگی
۰.۰۰۰	۴.۴۲۸	آموزش شهروندی ← توسعه اجتماعی
۰.۰۰۰	۵.۸۲۶	آموزش شهروندی ← توسعه اقتصادی
۰.۰۰۰	۶.۷۶۴	آموزش شهروندی ← توسعه زیست محیطی



شکل شماره ۲: مدل مورد آزمون و برآوردهای کاملاً استاندارد شده پارامترها

شاخص‌های برازش مدل در جدول شماره ۳ آمده و همگی نشان دهنده برازش مطلوب و قابل قبول مدل است

جدول شماره ۴: معیارهای برازش مدل پژوهش

نوع شاخص	معیار برازش مدل	مقدار	حد قابل قبول	نتیجه
شاخص‌های مطلق (برازندگی مدل)	کای اسکوئر (CMIN)	۱۲۰۸/۰۲		
	درجه آزادی (DF)	۵۷۹		
	سطح معناداری (P)	۰/۰۰۰	کمتر از ۰/۰۵	قابل قبول
	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (CMIN/DF)	۲/۱۰	بین ۱ تا ۵	قابل قبول
شاخص‌های نسبی	ریشه میانگین مجزورات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۸۶	۰/۸ به پایین	قابل قبول
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۷۰	۱ یا کمتر از یک	قابل قبول
	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	۰/۹۶۵	بین صفر و ۱	قابل قبول
	شاخص برازش اصلاح شده (NFI)	۰/۹۶۱	نزدیک به یک	قابل قبول
	شاخص برازش نسبی (RFI)	۰/۹۵۸	نزدیک به یک	قابل قبول
	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۲	۰/۹۰ به بالا	قابل قبول

بحث و نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل) انجام گرفت. از جمله کارکردهای آموزش‌های شهروندی و مشارکت‌های اجتماعی، مشخص شدن نیازهای جامعه در بین سطوح و اقصای جامعه،

شناخت نیازهای موجود در بستر شهر، توجه مدیران شهری به سرمایه‌های اجتماعی جامعه و رشد و اعتلای آن، ایجاد تعلق اجتماعی در بین مردم، ایجاد و گسترش زندگی اجتماعی مطلوب در شهر، پی‌ریزی شالوده‌ای محکم به منظور توسعه پایدار شهری، بهبود زیر ساخت‌های حل مشکلات شهری مثل حمل و نقل، بازیافت، حفظ محیط‌زیست و فضای سبز، بهبود وضعیت اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی جامعه شهرنشینی و... نیز اشاره کرد. بر اساس نتایج به دست آمده آموزش شهروندی می‌تواند باعث توسعه پایدار شهری شود این نتایج همسو با دیدگاه سدلر می‌باشد در نزد سدلر، نظام تعلیم و تربیت شهروندی در هر کشوری متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است که هر یک از آنها به نوبه خود در شکل دادن به آموزش‌های شهروندی نقش حیاتی ایفا می‌کنند. وی به این نکته اشاره می‌کند که نمی‌توان آموزش شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و دور از حوزه نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت و مجموعه منسجمی از عقاید و آراء تربیتی قالب در آن جامعه را به محک بررسی زد. ذکایی (۱۳۸۱) هم در زمینه‌ی محقق شدن ادغام واقعی در جامعه بحث می‌کند. در نزد ذکایی؛ این کمترین سهمی است که شهروندان از آن باید برخوردار باشند. مادام که ادغام واقعی در جامعه محقق نشود و حداقل درآمد، امنیت و مشارکت فعال شهروندان تامین نگردد، اعضای جامعه نخواهند توانست حقوق خود را طلب کنند. از طرفی نتایج این تحقیق با پژوهش شاطریان و آقا بزرگی (۱۳۹۴) همسو می‌باشند ایشان نشان دادند که آموزش، اساس توسعه است و آموزش شهروندی مهارت‌هایی را برای ایجاد قوانین و تغییر آنها در فرد ایجاد می‌کند و آگاهی‌های عمومی شهروندان را افزایش داده و موجب مشارکت آنها در امور جامعه می‌شود و به کاهش فقر و نابرابری نیز کمک می‌کند. بدین ترتیب آموزش شهروندی در مقاطع مختلف سبب توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی جامعه می‌شود. آموزش‌های شهروندی یک پدیده کارکردی محسوب می‌شود که در اثر نیاز به وجود آمده و در رفع

آن نیازها می‌کوشد. این پدیده دارای کارکرد آشکار و پنهان با رویکرد مثبت است چرا که در جهت انسجام و استحکام جامعه و شهر سودمند است.

پیشنهادات:

۱- یکی از علل و عوامل عقب ماندگی کشورهای عقب افتاده و در حال توسعه، فقدان امکانات سخت افزاری یکسان است. علاوه بر تأمین سخت افزارهای لازم، توجه و تقویت سایر جنبه های فناوری نظیر پرورش نیروی انسانی و ایجاد فرهنگ فناوری در جامعه الزامی است. ضمناً می توان برنامه های آموزشی را به شیوه خودآموز تهیه نمود تا از کارایی بیشتری برخوردار باشند.

۲- اولویت قرار دادن آگاهی از پدیده شهروندی در نظام‌های آموزشی و ضرورت آشنایی و آماده سازی برخی افراد مانند معلمان مدارس با مبانی حقوق و وظایف شهروندی به ویژه جوامعی که در ماهیت خود از تنوع فرهنگی قابل توجهی برخوردار هستند.

۳- با توجه به اینکه جامعه شهری اردبیل دارای تنوع قومی و فرهنگی است و از طرفی شهروندی یک سازه اجتماعی و فرهنگی است، لذا بستر اجتماعی و فرهنگی این پدیده را باید با رویکرد های ارزشی، بومی و محلی آن خرده فرهنگ متناسب کرد.

۴- بنیان های فرهنگ شهروندی اعم از؛ مساوات طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری، مسئولیت پذیری مدنی و مشارکت عمومی را همچون نظام های لیبرالیسم از سوی مدیریت شهری مورد حمایت قرار گیرد

۵- توسعه همه جانبه و پایدار جامعه، بستگی به حضور فعال شهروندانی آگاه و صاحب توان علمی و مهارتی لازم را برای توفیق در زندگی اجتماعی و فردی در عرصه‌های سازندگی دارد. لازم است برای تربیت این چنین شهروندانی در برنامه های درسی مدارس، دانشگاه و کانون های آموزشی در تمام سطوح یک تجدید نظر اساسی شود، و نقش آموزش های رسمی را در ارتباط با تربیت شهروندی و فرایند آن به عنوان یک واقعیت پررنگ تر کرد.

۶- تشکیل شورای عالی آموزش شهروندی جهت پیگیری حقوق شهروندی شهروندان

منابع

- آقازاده، احمد (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های آموزش ها در کشور ژاپن. فصلنامه نوآوری های آموزشی. سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۸۵، صص ۴۵-۶۶
- پورموسی، علی، مدیری، مهدی (۱۳۹۵)، آموزش شهروندی و نقش آن در تحقق توسعه پایدار شهرهای جدید (نمونه موردی شهر جدید اندیشه)، دومین کنگره زمین، فضا و انرژی پاک
- توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران: نشر سمت، ۱۳۷۳
- توسلی، غلامعباس و حسینی نجاتی، سید محمود (۱۳۸۳). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران» مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲
- تیمورنژاد، کاوه؛ یوزباشی، علیرضا؛ ابراهیمی، مجید (۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی با تأکید بر توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرداری زنجان)، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۹، ۷۹-۹۵
- حسینی، سیدهادی، حسین قدرتی، محمد میره، یعقوب زنگنه (۱۳۹۲)، پایداری شهری بر بنیان توسعه ی مشارکت شهروندی (مطالعه موردی: شهرسبزوار) جغرافیا و پایداری محیط، سال سوم، شماره ی ششم
- خبرگزاری مهر، (۱۳۹۳)، عدم رعایت مولفه های شهرنشینی در اردبیل/ وقتی معضل عادت می شود، <http://www.mehrnews.com/news/2505194>، ۱۳۹۳/۱۲/۰۵
- رهنمایی، محمد تقی، سید موسی پورموسوی، (۱۳۸۵) بررسی ناپایداری های امنیتی کلان شهر تهران براساس شاخص های توسعه پایدار شهری، پژوهش های جغرافیایی، شماره پنجاه و هفتم.
- شاطریان، محسن و شیوا آقابرگی زاده، (۱۳۹۴)، نقش آموزش شهروندی در تحقق توسعه پایدار شهری، اولین همایش ملی توسعه پایدار شهری، تهران، گروه پژوهشی کیمیا.

- شیبانی، ملیحه (۱۳۸۴) شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، فصلنامه حقوق و تامین اجتماعی، شماره ۱، تهران
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۰). تعامل جهانی شدن. تهران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸.
- فالکس، کیت (۱۳۸۱)، شهروندی، مترجم: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر
- لش، اسکات (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی پست مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز
- محمدی، علیرضا. (۱۳۹۳). مشکلات شهری اردبیل کدامند؟ www.amohammadi.ir ۹۶/۰۶/۲۵
- منوچهری، عباس و محمود نجاتی حسینی (۱۳۸۵)، «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت و گویی در فلسفه سیاسی هابرماس»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹
- نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر
- نوابخش، مهرداد؛ ارجمند سیاهپوش، اسحق. (۱۳۸۸). مبانی توسعه پایدار شهری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- هریس، جانانان ام (۱۳۸۳)؛ «اصول اساسی توسعه پایدار»، رستم صابری فر، مجله سپهر، سال ۱۳، شماره ۵۲ (زمستان)
- هومن، حیدر علی (۱۳۹۰) «مدل یابی معادلات ساختاری» چاپ اول، تهران، انتشارات سمت
- یوسفی، امیر، ۱۳۹۳، جایگاه و نقش آموزش و پرورش در فرایند توسعه پایدار، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، https://www.civilica.com/Paper-EPSCONF01-EPSCONF01_487.html
- Abdi, A A., & Shultz, L. (2013). Youth, social engagement and citizenship in Canada: educational challenges and alternatives. **Sisyphus: Journal of Education**, 1(2), 54-74
- Bolzek, I. & Butters, C. (2003). Sustainable human settlements challenges for center sustainable development www.arkitektur.no/nabu
- Keating, A., & Janmaat, J. G. (2016). Education Through Citizenship

- at School: Do School Activities Have a Lasting Impact on Youth Political Engagement?. **Parliamentary Affairs**, 69(2), 409-429.
- Lee, W, O. (1999). Qualities of Citizenship for the New century: Perception of Asian Educational Leaders. Paper Presented at the Fifth UNESCOACEID International Conference on Reforming Learning, Curriculum and Pedagogy. Bangkok, Thailand 13-16 DC.
 - Nozich,R. (1987) **Anarchy, state and utopia**. Basic Books Publishers.
 - Quingly, Charles .N(2000).Global trends in Civic Education.A speech given at the seminar for the needs for new Indonesian civic education center for Indonesian civic education(CICED).March 29.Bandung Indonesia.

